

جشن باستانی شب چله (یلدا) فرخنده باد

بر خلاف ملتها و مردمانی که دنیا را تبعیدگاه انسان و خوار و زبون می شمارند و تنها به فکر جهان آخرت بوده اند و یا آن دسته از مردمی که بیشتر روزهای سال را در غم و سوگواری عزیزان به سر می بردند و عقیده داشتند و دارند که گریه بر هر درد بی درمان دواست، نیاکان فرهمند و باخرد ما در ایران باستان گیتی و مینوی را هر دو آفریده ی نیک خداوند دانسته و هر دو را با هم خواستار بودند و یکی را فدای دیگری نمی کردند، دنیای آنها دنیای کار و کوشش همراه با شادی و پایکوبی و سرور بود و بر این باور بودند که کار و کوشش هرگاه با شادی و سرور همراه باشد باعث انبساط خاطر و افزایش قوای روحی شده، زندگی را بر انسان شیرین می کند و به قدری بر این مرام پایبند بودند که حتی شیون و زاری بیش از حد بر مرگ عزیزان را نیز کاری اشتباه و گناه بزرگ می دانستند و دیگر اینکه نمود این مرام را در گاهشمار (تقویم) رایج در ایران باستان به روشنی می بینیم، فلسفه ی حاکم بر این گاهشمار فلسفه ی جشن و پایکوبی و شادمانی و شاد زیستن است به گونه ای که گاهشمار ایران باستان سراسر پر است از جشن های بزرگی و باشکوهی همچون نوروز، تیرگان، مهرگان، سده، یلدا، چهارشنبه سوری و...

در ایران باستان سه نوع جشن وجود داشت که ایرانیان کهن با آیین و آداب بسیار زیبایی به انجام آن می پرداختند:

۱- جشن های ماهیانه (برابری نام روز و نام ماه، چون هر ۳۰ روز ماه یک نام دارند)

۲- جشن های فصلی (گاهنبارهای شش گانه)

۳- جشن های دیگر (مانند نوروز، سده، زایش اشو زرتشت...)

حال ما نیز به دلیل نزدیک شدن به یکی از این جشن های دیرپا و کهن یعنی یلدا فراموش ناشدنی در این جستار به بررسی وجستگی کوتاهی درباره فلسفه وجودی و نیز آیین ها و مراسم رایج این جشن که دیر زمانی است در ایران زمین برپا میگردد؛ می پردازیم.

امروزه نخستین روز دی ماه یا شب یلدا را جشن می گیرند، یعنی آخرین شب پاییز، نخستین شب زمستان، پایان قوس، آغاز جُدی و سرانجام دلیل معروف آن یعنی دراز ترین شب سال. واژه ی یلدا سُرّیانی و به معنی زاده شدن است؛ زاده شدن خورشید (مهر، میترا) که رومیان آن را ناتالیس انویکتوس (یعنی تولد مهر شکست ناپذیر) می نامند. بنابر باور پیشینیان در پایان این شب دراز که اهریمنی و نامبارکش می دانستند و می دانند تاریکی شکست می خورد و روشنایی روز و خورشید زاده می شود (شب زایش خورشید) و روزها روی به بلندی می نهند.

در این باره ابوریحان در "آثار الباقیه" خویش می گوید:

« این روز (یلدا، روز اول دی) روز میلاد اکبر است - مقصود از آن انقلاب شتوی (زمستانی) است. گویند در این روز نور از حد نقصان به حد زیادت خارج می شود و آدمیان نشو و نما آغاز می کنند و پری ها به فنا روی می آورند.» زایش خورشید و آغاز دی را سرزمین های کهن بسیاری آغاز سال قرار دادند و به شکوه و مبارکی روزی که خورشید از چنگ شب های اهریمنی نجات می یافت روزی مقدس برای مهرپرستان بود. در سده ی چهارم میلادی، بر اثر اشتباهی که در محاسبه ی سال های کبیسه رخ داد روز ۲۵ دسامبر را به جای ۲۱ دسامبر روز تولد میترا دانسته و تولد عیسی مسیح را نیز در این سال قرار دادند. دین مهر و یکتا پرستی توسط دریانوردان و بازرگانان بزرگ ایرانی به اروپا، همچنین غرب راه یافت و بعد ها روز تولد عیسی پیامبر مسیحیان را با روز تولد مهر یکی دانستند؛ بنابراین نوئل (سالروز تولد مسیح) اروپایی همان شب یلدا است و نوئل واقعی یعنی انقلاب زمستانی در سی آذر برابر با بیست و یکم دسامبر است و دهخدا نیز میگوید: شاعران، زلف یار و نیز روز هجر (جدایی) را از حیث سیاهی و درازی به شب یلدا تشبیه می کنند. انگیزه های پایدار ماندن این جشن ها را تا به امروز را می تون بدین گونه بر شمرد:

۱- شب زایش خورشید (مهر) از باور های ملی و کهن پیش از زرتشت

۲- بلندترین شب سال - یعنی طولانی ترین تاریکی است، نشانه ی اهریمنی شبی شوم و ناخوشایند که از فردا به کوتاهی می گراید.

۳- پایان برداشت محصول صیفی و آغاز فصل استراحت برای کشاورزی است که همه ی قشرها و گروه هایی که از فراورده های کشاورزی و تلاش کشاورزان بهره مند هستند در جشن نخستین روز دی ماه و برداشت محصول در شگون و شادی کشاورزان شرکت می کنند.

یلدا را همچنین می توان جشن و گردهمایی خانودگی نیز دانست. در شب یلدا خویشاوندان نزدیک در خانه ی بزرگ خانواده گرد هم می آیند. حال اندکی از ویژگی های این جشن و گردهمایی در چند سده ای آخر در میهنمان می پردازیم.

۱- جشن خانوادگی: برگزاری مراسم یلدا که مانند جشن، آیین و گردهمایی است که اکثرا به خویشاوندان و دوستان نزدیک به دیدار همدیگر و با سالمندان هر خانواده می روند. در این شب پدر بزرگ و مادر بزرگ ها برای دیگران قصه های عامیانه می گفتند که هنوز هم این رسم وجود دارد.

۲- کنار کُرسی نشستند: در زمستان ها استفاده کردن از کرسی برای گرم کردن خانه (که امروزه با پیشرفت تکنولوژی جدید به وسیله ابزارهای گرما زا مدرن انجا می گیرد و دور کرسی نشینی معمولا از یلدا ، نخستین شب زمستان شروع می شد و تا پایان چله ی بزرگ در برخی خانواده ها و در برخی خانواده ها تا پایان چله ی کوچک (جشن سده در ۱۰ بهمن) ادامه داشت . اعضای خانواده از کوچک و بزرگ دور کُرسی که روی آن را میوه و آجیل پوشانده بود می نشستند .

۳- خوراک و خوردنی: برای شب یلدا ، خوراک ویژه ای نمی شناسیم و تهیه ی شام بستگی به وضع اقتصادی مردم دارد. خوردنی های ویژه شب یلدا، میوه های فصل تابستان چون : خربزه ، هندوانه ، انگور ، سیب ، خیار ، به و مانند آن است میوه هایی که همه آنها باید خورده می شد و چیزی برای فردا باقی نمی ماند. آجیل و شب چره که شامل دانه هایی چون گندم و نخود برشته ، تخمه هندوانه و کدو، بادام، پسته، فندق، کشمش، انجیر و توت خشک است در شب یلدا بر سر سفره باشد؛ خوردنی های شب یلدا در واقع میوه و آجیل است نه غذا. سرخی هندوانه و انار شب یلدا اشاره به رنگ سرخ آسمان به هنگام برآمدن خورشید، می باشد.

۴- فال حافظ : یکی از آیین های جدیدتر شب یلدا فال حافظ گرفتن است. اگر رسم ها و آیین های دیگر یلدا را میراثی از فرهنگ چند هزار ساله ی ایران بدانیم فال حافظ گرفتن در شب یلدا در سده های اخیر به آیین های شب یلدا افزوده شده است . فال حافظ گرفتن در شب نشینی های زمستان بیشتر است .

همه ی رسم ها و آیین ها ی شب یلدا را (به جز دور کرسی نشستن که امروزه کمیاب شده است) تقریبا شکل یکسانی در همه ی شهرها و آبادی های میهنمان سراغ داریم . امروزه نمود برگزاری آیین و رسم شب یلدا را می توان در روزهای بیست و نهم و سی ام آذرماه ، در بازار ها و فروشگاه های میوه و آجیل فروشی ها دید که این خرید ها تا پاسی از شب یلدا نیز ادامه دارد .

باشد که این جشن و آیین در اندازه جشن نوروز و دیگر جشن های باشکوه این میهن است با وجود دگرگونی های فنی و صنعتی و فرهنگی امروز به عنوان گوشه ای از نمود های ملی، تاریخی و فرهنگی این مرز و بوم به دست فراموشی سپرده نشود. فراموش نکنیم جشن های باستانی نشانه تاریخ و بزرگی و یگانگی همه ملت و شناسنامه ما ایرانیان است.

زندان شب یلدا

چند این شب و خاموشی؟ وقت است که برخیزم

ویش آتش خندان را با صبح برانگیزم

گر سوختنم باید افروختنم باید

ای عشق بزن در من کز شعله نپرهیزم

صد دشت شقایق چشم در خون دلم دارد

تا خود به کجا آخر با خاک در آمیزم

چون کوه نشستم من با تاب و تب پنهان

صد زلزله برخیزد آن گاه که برخیزم

برخیزم و بگشایم بند از دل پر آتش

وین سیل گدازان را از سینه فرو ریزم

چون گریه گلو گیرد از ابر فروبارم

چون خشم رخ افروزد در صاعقه آویزم

ای سایه! سحر خیزان دلواپس خورشیدند

زندان شب یلدا بگشایم و بگریزم

ه.ا.سایه

ایران ای کشور آریان، نامت بجاست و مهرت در دل ما

گردآوری: میلاد دهقان - یلدا ۲۵۶۸ (۱۳۸۸ خورشیدی)

www.miladdehghan.blogfa.com